

## بررسی چالش‌های اجرای برنامه‌های درسی مبتنی بر تلفیق مفاهیم علمی و انسانی

۱. منصوره بیات: دانشکده روانشناسی تربیتی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

۲. رامین نادری\*: دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

### چکیده

این مقاله به بررسی چالش‌های اجرای برنامه‌های درسی مبتنی بر تلفیق مفاهیم علمی و انسانی می‌پردازد. این رویکرد آموزشی به دلیل توانایی در توسعه تفکر انتقادی و مهارت‌های چندجانبه در دانش‌آموزان، اهمیت بسیاری دارد. با این حال، اجرای موفق این برنامه‌ها با چالش‌های متعددی در زمینه‌های طراحی، اجرایی، و فرهنگی-اجتماعی مواجه است. در این مقاله، ابتدا به تعریف مفاهیم کلیدی مانند تلفیق مفاهیم علمی و انسانی و برنامه‌های درسی پرداخته شده و سپس رویکردهای نظری مرتبط با این موضوع معرفی شده‌اند. همچنین، پیشینه پژوهشی مرتبط با تلفیق مفاهیم علمی و انسانی مرور شده و چالش‌های اصلی در این حوزه شناسایی و تحلیل شده‌اند. در نهایت، راهکارهایی برای بهبود طراحی، اجرای مؤثر، و تعامل بهتر با مشکلات فرهنگی و اجتماعی ارائه شده است. این راهکارها می‌توانند به ارتقای کیفیت آموزش و پرورش و پذیرش بهتر برنامه‌های تلفیقی در جامعه کمک کنند.

**واژگان کلیدی:** برنامه‌های درسی، تلفیق مفاهیم علمی و انسانی، چالش‌های آموزشی، رویکرد بین‌رشته‌ای، آموزش تلفیقی

## مقدمه

تلفیق مفاهیم علمی و انسانی در برنامه‌های درسی یکی از مباحث نوین و چالش‌برانگیز در حوزه آموزش و پرورش است که در سال‌های اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران و سیاست‌گذاران آموزشی را به خود جلب کرده است. با پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی، نیاز به ایجاد ارتباطی موثر بین علوم پایه و علوم انسانی بیش از پیش احساس می‌شود. این ارتباط نه تنها به درک بهتر مفاهیم علمی و کاربرد آن‌ها در زندگی روزمره کمک می‌کند، بلکه به رشد تفکر انتقادی و خلاقیت در دانش‌آموزان نیز منجر می‌شود (صالحی، ۱۳۹۹). اهمیت این موضوع به ویژه در کشورهایی مانند ایران، که با چالش‌های گوناگون در نظام آموزشی خود مواجه هستند، بیشتر احساس می‌شود.

ضرورت پرداختن به موضوع تلفیق مفاهیم علمی و انسانی در برنامه‌های درسی از چند جهت قابل بررسی است. نخست، علوم انسانی به دلیل ماهیت تفسیری و تعاملی خود، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مفاهیم پیچیده علمی را از منظرهای مختلف مورد بررسی قرار دهند. این امر به توسعه دیدگاه‌های چندجانبه و توانایی تحلیل انتقادی منجر می‌شود که در نهایت می‌تواند به تربیت شهروندانی با نگرش‌های جامع و پویا کمک کند (جعفری و همکاران، ۱۳۹۸). از سوی دیگر، علوم پایه و فناوری‌های نوین به سرعت در حال تغییر و تحول هستند و دانش‌آموزان نیازمند این هستند که مهارت‌های عملی و تفکری لازم برای درک و به کارگیری این مفاهیم در زندگی واقعی را کسب کنند (رستمی، ۱۳۹۷). این امر مستلزم آن است که برنامه‌های درسی نه تنها بر انتقال دانش متمرکز باشند، بلکه باید توانایی کاربرد این دانش در زمینه‌های مختلف اجتماعی و انسانی را نیز تقویت کنند.

یکی دیگر از دلایل اهمیت تلفیق مفاهیم علمی و انسانی در برنامه‌های درسی، نیاز به تقویت آموزش بین‌رشته‌ای است. در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، سیستم آموزشی به طور سنتی به صورت رشته‌ای سازماندهی شده است، به این معنا که هر درس به صورت مستقل از دیگر دروس آموزش داده می‌شود. این رویکرد ممکن است منجر به ایجاد شکاف‌هایی در دانش و توانایی دانش‌آموزان شود که در نهایت بر توانایی آن‌ها برای استفاده از دانش در مسائل پیچیده زندگی واقعی تأثیر منفی خواهد گذاشت (احمدی و همکاران، ۱۳۹۶). در مقابل، آموزش بین‌رشته‌ای که بر تلفیق مفاهیم علمی و انسانی تأکید دارد، می‌تواند به ارتقای مهارت‌های حل مسئله و تفکر انتقادی کمک کند و در نهایت دانش‌آموزان را برای مواجهه با چالش‌های آینده آماده‌تر کند.

هدف اصلی این مقاله بررسی چالش‌های اجرای برنامه‌های درسی مبتنی بر تلفیق مفاهیم علمی و انسانی است. برای دستیابی به این هدف، سوالات زیر مطرح می‌شوند: اولاً، چالش‌های اصلی در طراحی و اجرای برنامه‌های درسی تلفیقی چیست؟ ثانیاً، چگونه می‌توان این چالش‌ها را در فرآیند طراحی و اجرای برنامه‌های درسی مرتفع کرد؟ و ثالثاً، چه راهکارهایی برای بهبود کیفیت و کارایی این برنامه‌ها وجود دارد؟ این سوالات به گونه‌ای طراحی شده‌اند که بتوانند به تحلیل جامع و سیستماتیک از موضوع بپردازند و در نهایت به ارائه راهکارهای عملی و قابل اجرا منجر شوند.

در این مقاله، ابتدا به بررسی مبانی نظری و مفاهیم مرتبط با تلفیق مفاهیم علمی و انسانی پرداخته می‌شود. سپس چالش‌های موجود در اجرای این نوع برنامه‌های درسی در زمینه‌های مختلف طراحی، اجرایی، و فرهنگی-اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد. در ادامه، با استفاده از روش تحلیل توصیفی، به بررسی دقیق و جامع این چالش‌ها پرداخته و در نهایت راهکارهایی برای بهبود و ارتقای کیفیت برنامه‌های درسی تلفیقی ارائه خواهد شد.

### روش‌شناسی پژوهش

در این مقاله، روش تحلیل توصیفی برای بررسی چالش‌های اجرای برنامه‌های درسی مبتنی بر تلفیق مفاهیم علمی و انسانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش به دلیل ماهیت آن که به توصیف دقیق و عمیق مسائل می‌پردازد، مناسب برای موضوعاتی است که نیازمند درک گسترده و جامع از پیچیدگی‌ها و ظرایف موجود در فرآیندهای آموزشی هستند. برای انجام این تحلیل، از بررسی دقیق و سیستماتیک منابع موجود شامل کتاب‌ها، مقالات علمی، گزارش‌های تحقیقاتی و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع استفاده می‌شود. منابع انتخابی باید به گونه‌ای باشند که ابعاد مختلف چالش‌های مرتبط با تلفیق مفاهیم علمی و انسانی در برنامه‌های درسی را پوشش دهند. به این منظور، معیارهایی برای انتخاب منابع در نظر گرفته شده‌اند که شامل به‌روز بودن، اعتبار علمی، و ارتباط مستقیم با موضوع تحقیق می‌باشد. منابع به دقت مورد بررسی قرار گرفته و اطلاعات کلیدی استخراج شده‌اند. پس از گردآوری اطلاعات از منابع مختلف، داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی مورد بررسی قرار می‌گیرند. این روش امکان شناسایی الگوها، مضامین و چالش‌های اصلی موجود در زمینه اجرای برنامه‌های درسی تلفیقی را فراهم می‌آورد. تحلیل محتوای کیفی به محقق کمک می‌کند تا از داده‌های متنی پیچیده و گسترده، به اطلاعات معناداری دست یابد که می‌توانند به توصیف و تبیین چالش‌ها کمک کنند. در مرحله بعد، اطلاعات استخراج شده از منابع با دقت طبقه‌بندی و سازماندهی می‌شوند. این طبقه‌بندی بر اساس چالش‌های مختلف طراحی، اجرایی، و فرهنگی-اجتماعی صورت می‌گیرد. هر یک از این دسته‌ها به صورت مجزا تحلیل شده و در بخش‌های مختلف مقاله به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرند. در این فرآیند، تلاش می‌شود تا به یک تحلیل جامع و دقیق از موانع و چالش‌های موجود دست یافته و همچنین نقاط قوت و ضعف روش‌های مختلف تلفیق مفاهیم علمی و انسانی در برنامه‌های درسی شناسایی شود.

### مبانی نظری

در بررسی مبانی نظری مربوط به تلفیق مفاهیم علمی و انسانی در برنامه‌های درسی، ابتدا باید به تعریف مفاهیم کلیدی پرداخت تا پایه و اساس مناسبی برای بحث‌های بعدی فراهم شود. سپس به رویکردهای نظری مختلفی که به این موضوع پرداخته‌اند اشاره می‌شود و در نهایت، به مرور پیشینه پژوهشی این حوزه پرداخته خواهد شد.

تلفیق مفاهیم علمی و انسانی به عنوان یک فرآیند آموزشی به معنای ایجاد پیوند و تعامل میان دو حوزه علمی و انسانی است که هدف آن تقویت و توسعه توانمندی‌های چندجانبه در دانش‌آموزان است. در این فرآیند، مفاهیم علمی مانند فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و ریاضیات با مفاهیم انسانی مانند فلسفه، جامعه‌شناسی، تاریخ و ادبیات در یک برنامه درسی تلفیق می‌شوند (خسروی و

همکاران، ۱۳۹۸). این تلفیق به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مفاهیم پیچیده را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار دهند و توانایی تحلیل و نقد مسائل را بهبود بخشند. در این راستا، «برنامه‌های درسی» به عنوان مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و محتوای آموزشی تعریف می‌شود که به منظور تحقق اهداف آموزشی طراحی و اجرا می‌شوند (حسینی، ۱۳۹۷).

رویکردهای نظری مختلفی به بررسی تلفیق مفاهیم علمی و انسانی در برنامه‌های درسی پرداخته‌اند. یکی از مهم‌ترین این رویکردها، رویکرد بین‌رشته‌ای است که بر اساس آن، برنامه‌های درسی به گونه‌ای طراحی می‌شوند که دانش‌آموزان بتوانند ارتباطات میان‌رشته‌ای را درک کرده و از دانش خود در زمینه‌های مختلف استفاده کنند (کلارک، ۲۰۱۸). این رویکرد معتقد است که یادگیری نباید به صورت مجزا در هر رشته اتفاق بیفتد، بلکه باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان بتوانند مفاهیم مختلف را به هم پیوند داده و به کار ببرند. به طور مثال، مطالعه تاریخ علمی می‌تواند به درک بهتر از چگونگی توسعه علوم و تاثیر آن بر جامعه کمک کند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۶).

از دیگر رویکردهای نظری مرتبط با این موضوع، رویکرد «آموزش مبتنی بر پروژه» است که به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا با اجرای پروژه‌های عملی و پژوهشی، ارتباطات بین مفاهیم علمی و انسانی را تجربه کنند. در این رویکرد، دانش‌آموزان با انتخاب پروژه‌هایی که نیاز به دانش از هر دو حوزه علمی و انسانی دارند، یاد می‌گیرند چگونه این مفاهیم را در مسائل واقعی به کار ببرند (مارشال، ۲۰۱۷). این رویکرد به طور خاص بر توسعه مهارت‌های حل مسئله، تفکر انتقادی و همکاری بین دانش‌آموزان تاکید دارد و از این جهت با اهداف تلفیق مفاهیم علمی و انسانی همخوانی دارد.

پیشینه پژوهشی در زمینه تلفیق مفاهیم علمی و انسانی در برنامه‌های درسی نشان می‌دهد که این موضوع از دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. در مطالعات اولیه، بیشتر تمرکز بر روی چالش‌ها و موانع اجرایی این رویکرد بوده است (رستمی، ۱۳۹۸). پژوهش‌های اخیرتر به بررسی نتایج و تأثیرات این نوع آموزش بر یادگیری دانش‌آموزان پرداخته‌اند. به عنوان مثال، پژوهشی که توسط جعفری و همکاران (۱۳۹۷) انجام شد، نشان داد که تلفیق مفاهیم علمی و انسانی در برنامه‌های درسی می‌تواند به بهبود عملکرد تحصیلی و افزایش انگیزه دانش‌آموزان منجر شود. این پژوهش‌ها همچنین به نقش معلمان و مربیان در اجرای موفق این برنامه‌ها اشاره کرده‌اند و تاکید دارند که آموزش و تربیت معلمان برای این نوع برنامه‌های درسی از اهمیت بالایی برخوردار است (سلیمانی، ۱۳۹۶).

یکی دیگر از یافته‌های مهم در پژوهش‌های قبلی این است که تلفیق مفاهیم علمی و انسانی می‌تواند به بهبود تعاملات اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان کمک کند. به عنوان مثال، تحقیقاتی که توسط احمدی و همکاران (۱۳۹۸) انجام شده است، نشان می‌دهد که برنامه‌های درسی تلفیقی می‌توانند به ارتقای مهارت‌های ارتباطی و همکاری میان دانش‌آموزان کمک کنند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که تلفیق مفاهیم علمی و انسانی نه تنها به بهبود یادگیری علمی منجر می‌شود، بلکه تأثیرات مثبتی بر توسعه مهارت‌های اجتماعی و انسانی دانش‌آموزان نیز دارد.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که تلفیق مفاهیم علمی و انسانی در برنامه‌های درسی یکی از رویکردهای نوین و مؤثر در آموزش و پرورش است که می‌تواند به بهبود کیفیت یادگیری و توسعه مهارت‌های چندجانبه در دانش‌آموزان کمک کند. با این حال، اجرای این رویکرد با چالش‌های متعددی همراه است که نیازمند بررسی و ارائه راهکارهای مناسب است. در این مقاله، تلاش خواهد شد تا با بررسی دقیق این چالش‌ها و ارائه راهکارهای عملی، به بهبود و ارتقای کیفیت برنامه‌های درسی تلفیقی کمک شود.

## بحث

تلفیق مفاهیم علمی و انسانی در برنامه‌های درسی، علیرغم مزایای فراوان، با چالش‌ها و موانع مختلفی مواجه است که در سه دسته عمده طراحی، اجرایی، و فرهنگی-اجتماعی قابل بررسی است. این چالش‌ها می‌توانند اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های تلفیقی را به شدت تحت تاثیر قرار دهند و در برخی موارد مانع از دستیابی به اهداف آموزشی مورد نظر شوند.

چالش‌های طراحی برنامه درسی یکی از اساسی‌ترین مشکلات در پیاده‌سازی برنامه‌های درسی تلفیقی است. طراحی برنامه‌های درسی تلفیقی نیازمند همکاری نزدیک میان متخصصان علوم مختلف و معلمان است، اما این همکاری به دلایل متعددی ممکن است به سادگی حاصل نشود. یکی از این دلایل، فقدان دانش و آگاهی کافی در مورد چگونگی تلفیق مفاهیم علمی و انسانی است. بسیاری از طراحان برنامه‌های درسی و معلمان، به دلیل آموزش‌های تخصصی خود در یک حوزه خاص، از درک عمیق سایر حوزه‌های علمی یا انسانی بی‌بهره هستند و این امر باعث می‌شود که طراحی برنامه‌های درسی تلفیقی به چالش کشیده شود (حسینی، ۱۳۹۷). علاوه بر این، نیاز به طراحی محتوایی که هم به نیازهای علمی و هم به نیازهای انسانی پاسخ دهد، پیچیدگی‌های خاصی را به دنبال دارد که می‌تواند باعث بروز مشکلاتی در تدوین اهداف و محتوای آموزشی شود (رستمی، ۱۳۹۸).

چالش‌های اجرایی نیز به عنوان یکی دیگر از موانع مهم در اجرای برنامه‌های درسی تلفیقی مطرح هستند. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، کمبود منابع و امکانات آموزشی مناسب است. اجرای برنامه‌های تلفیقی نیازمند منابع آموزشی متنوع و گسترده است که بتواند هر دو جنبه علمی و انسانی را پوشش دهد. این منابع می‌توانند شامل کتاب‌ها، نرم‌افزارهای آموزشی، آزمایشگاه‌ها و سایر ابزارهای آموزشی باشند که در بسیاری از مدارس به میزان کافی وجود ندارند (سلیمانی، ۱۳۹۶). همچنین، مدیریت این نوع برنامه‌ها به دلیل نیاز به هماهنگی میان معلمان و ادارات آموزشی، می‌تواند پیچیدگی‌های زیادی را به همراه داشته باشد. مشکلات مدیریتی و عدم هماهنگی میان بخش‌های مختلف آموزشی می‌تواند باعث کاهش کارایی و اثر بخشی برنامه‌های تلفیقی شود (احمدی و همکاران، ۱۳۹۸).

چالش‌های فرهنگی و اجتماعی نیز به عنوان یکی از موانع جدی در اجرای موفق برنامه‌های درسی تلفیقی شناخته می‌شوند. فرهنگ و جامعه نقش بسزایی در پذیرش و اجرای برنامه‌های آموزشی دارند و در برخی موارد، موانع فرهنگی می‌توانند باعث مقاومت در برابر تغییرات آموزشی شوند. به عنوان مثال، در برخی جوامع، تاکید بیش از حد بر رشته‌های علمی و فناوریانه باعث کاهش ارزش‌گذاری برای علوم انسانی شده است و این نگرش ممکن است مانع از پذیرش برنامه‌های تلفیقی توسط والدین، معلمان و حتی دانش‌آموزان

شود (صالحی، ۱۳۹۹). علاوه بر این، نگرانی‌های اجتماعی نظیر نگرانی از کاهش عمق علمی در برنامه‌های تلفیقی نیز می‌تواند به مقاومت در برابر این نوع برنامه‌ها منجر شود.

تحلیل توصیفی چالش‌های مربوط به اجرای برنامه‌های درسی تلفیقی نشان می‌دهد که این چالش‌ها به طور مستقیم و غیرمستقیم بر کیفیت و اثر بخشی آموزش تاثیر می‌گذارند. به عنوان مثال، در حوزه طراحی، مشکلات مربوط به تلفیق مفاهیم علمی و انسانی می‌تواند منجر به ارائه محتوایی شود که به اندازه کافی عمیق یا جامع نیست و به این ترتیب، دانش‌آموزان نمی‌توانند از این آموزش‌ها به طور کامل بهره‌مند شوند. این مشکل ممکن است در نهایت به کاهش کیفیت یادگیری و عدم تحقق اهداف آموزشی منجر شود (جعفری و همکاران، ۱۳۹۷).

در حوزه اجرایی، کمبود منابع و امکانات آموزشی مناسب باعث می‌شود که معلمان نتوانند برنامه‌های تلفیقی را به درستی اجرا کنند. این امر ممکن است باعث ایجاد نارضایتی در میان دانش‌آموزان و معلمان شود و در نهایت، انگیزه‌های آموزشی را کاهش دهد. علاوه بر این، مشکلات مدیریتی و عدم هماهنگی میان بخش‌های مختلف آموزشی نیز می‌تواند به کاهش کارایی و اثر بخشی این برنامه‌ها منجر شود و به این ترتیب، اهداف آموزشی محقق نشوند (حسینی، ۱۳۹۷).

در حوزه فرهنگی و اجتماعی، نگرش‌های منفی نسبت به تلفیق مفاهیم علمی و انسانی می‌تواند باعث کاهش پذیرش این برنامه‌ها در جامعه شود. این نگرش‌ها ممکن است از سوی والدین، معلمان یا حتی دانش‌آموزان باشد و می‌تواند به مقاومت در برابر اجرای این برنامه‌ها منجر شود. این مقاومت می‌تواند به کاهش کیفیت اجرای برنامه‌های تلفیقی و در نهایت، به عدم دستیابی به اهداف آموزشی منجر شود (صالحی، ۱۳۹۹).

برای درک بهتر چالش‌ها و موانع اجرای برنامه‌های درسی تلفیقی، مطالعه‌ای که توسط احمدی و همکاران (۱۳۹۸) در مدارس ابتدایی ایران انجام شد، می‌تواند مثال خوبی باشد. در این مطالعه، اجرای برنامه‌های درسی تلفیقی در چندین مدرسه ابتدایی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که معلمان با مشکلات جدی در زمینه طراحی و اجرای این برنامه‌ها مواجه بودند. به عنوان مثال، معلمان گزارش دادند که منابع آموزشی کافی برای تلفیق مفاهیم علمی و انسانی در دسترس نبود و این امر باعث شد که آن‌ها نتوانند به درستی مفاهیم را تلفیق کنند. علاوه بر این، برخی معلمان به دلیل نداشتن آموزش‌های لازم در این زمینه، قادر به اجرای موفق برنامه‌های تلفیقی نبودند. این مطالعه نشان داد که برای اجرای موفق برنامه‌های درسی تلفیقی، نیاز به منابع آموزشی مناسب، آموزش معلمان و حمایت مدیریتی وجود دارد.

برای مواجهه با چالش‌ها و موانعی که در اجرای برنامه‌های درسی تلفیقی وجود دارد، لازم است راهکارهای مناسبی ارائه شود که به بهبود کیفیت و کارایی این برنامه‌ها کمک کند. این راهکارها می‌توانند در سه حوزه اصلی طراحی، اجرایی، و فرهنگی و اجتماعی مورد بررسی قرار گیرند.

راهکارهای بهبود طراحی برنامه‌های درسی تلفیقی نیازمند توجه به چندین نکته اساسی است. نخست، باید از همکاری و هم‌افزایی میان متخصصان مختلف علوم پایه و علوم انسانی بهره برد تا برنامه‌های درسی به گونه‌ای طراحی شوند که هم به نیازهای علمی و هم به نیازهای انسانی پاسخ دهند. این همکاری می‌تواند از طریق تشکیل تیم‌های تخصصی متشکل از اساتید و محققان حوزه‌های مختلف صورت گیرد (رستمی، ۱۳۹۸). همچنین، استفاده از تکنولوژی‌های نوین آموزشی می‌تواند به طراحی برنامه‌هایی که به‌طور موثرتری مفاهیم علمی و انسانی را تلفیق می‌کنند، کمک کند. به عنوان مثال، بهره‌گیری از پلتفرم‌های آموزشی دیجیتال که امکان ترکیب محتواهای چندرسانه‌ای و تعاملی را فراهم می‌کنند، می‌تواند به توسعه برنامه‌های درسی جامع‌تر منجر شود (صالحی، ۱۳۹۹).

در حوزه اجرایی، یکی از مهم‌ترین راهکارها، آموزش و توانمندسازی معلمان است. معلمان باید با روش‌ها و تکنیک‌های تلفیق مفاهیم علمی و انسانی آشنا شوند و برای اجرای موفق این برنامه‌ها از پشتیبانی‌های لازم برخوردار باشند. برگزاری کارگاه‌های آموزشی و دوره‌های بازآموزی می‌تواند به افزایش توانایی‌های معلمان در این زمینه کمک کند (سلیمانی، ۱۳۹۶). همچنین، تامین منابع و امکانات آموزشی مناسب از دیگر راهکارهای مهم در این حوزه است. مدارس باید به منابع آموزشی متنوعی مانند کتاب‌ها، نرم‌افزارها، آزمایشگاه‌ها و سایر ابزارهای لازم دسترسی داشته باشند تا بتوانند برنامه‌های تلفیقی را به‌طور کامل اجرا کنند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۸). علاوه بر این، ایجاد هماهنگی‌های مدیریتی و اداری میان بخش‌های مختلف آموزشی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. این هماهنگی‌ها می‌تواند به کاهش مشکلات اجرایی و افزایش کارایی برنامه‌های تلفیقی کمک کند.

در حوزه فرهنگی و اجتماعی، لازم است که نگرش‌ها و دیدگاه‌های منفی نسبت به تلفیق مفاهیم علمی و انسانی تغییر کند. این امر می‌تواند از طریق آموزش والدین، معلمان و دانش‌آموزان درباره مزایای این رویکرد و تاثیرات مثبت آن بر یادگیری و توسعه مهارت‌های چندجانبه صورت گیرد (حسینی، ۱۳۹۷). علاوه بر این، توجه به فرهنگ بومی و اجتماعی هر منطقه در طراحی و اجرای برنامه‌های درسی تلفیقی می‌تواند به پذیرش بهتر این برنامه‌ها کمک کند. به عنوان مثال، ادغام مفاهیم فرهنگی و اجتماعی خاص هر جامعه در برنامه‌های درسی می‌تواند به تقویت هویت فرهنگی و پذیرش بیشتر این برنامه‌ها منجر شود (خسروی و همکاران، ۱۳۹۸).

### نتیجه‌گیری

جمع‌بندی مباحث نشان می‌دهد که تلفیق مفاهیم علمی و انسانی در برنامه‌های درسی یک رویکرد موثر و ضروری در آموزش و پرورش است که می‌تواند به بهبود کیفیت یادگیری و توسعه مهارت‌های چندجانبه در دانش‌آموزان کمک کند. با این حال، اجرای موفق این برنامه‌ها با چالش‌ها و موانع متعددی مواجه است که شامل مسائل مرتبط با طراحی، اجرا، و پذیرش فرهنگی-اجتماعی می‌شود. برای مواجهه با این چالش‌ها، راهکارهایی مانند همکاری میان‌رشته‌ای در طراحی برنامه‌ها، آموزش معلمان، تامین منابع آموزشی مناسب، و تغییر نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی پیشنهاد شده است.

پاسخ به سوالات پژوهشی مطرح شده در مقدمه مقاله نشان می‌دهد که چالش‌های اصلی در طراحی و اجرای برنامه‌های درسی تلفیقی شامل کمبود دانش و تخصص، مشکلات مدیریتی و اجرایی، و مقاومت‌های فرهنگی و اجتماعی است. این چالش‌ها به‌طور مستقیم بر کیفیت و اثر بخشی برنامه‌های درسی تاثیر می‌گذارند و نیازمند راهکارهای عملی و قابل اجرا هستند. در نهایت، برای تحقیقات آینده پیشنهاد می‌شود که به بررسی دقیق‌تر تاثیرات اجرای برنامه‌های درسی تلفیقی بر عملکرد تحصیلی و توسعه مهارت‌های اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان پرداخته شود. همچنین، پژوهش‌های بیشتری در زمینه روش‌های بهینه تلفیق مفاهیم علمی و انسانی و تاثیرات آن بر یادگیری دانش‌آموزان مورد نیاز است. این پژوهش‌ها می‌توانند به توسعه راهکارهای جدید و بهبود فرآیندهای آموزشی کمک کنند و در نهایت به ارتقای کیفیت آموزش و پرورش در جامعه منجر شوند.

## منابع

- احمدی، م.، جعفری، ح.، و صالحی، ن. (۱۳۹۸). بررسی تاثیر چالش‌های اجرایی بر کیفیت برنامه‌های درسی تلفیقی. فصلنامه مطالعات آموزشی، ۲۵(۱)، ۳۵-۵۲.
- جعفری، ح.، و همکاران. (۱۳۹۷). تلفیق علوم پایه و علوم انسانی در برنامه‌های درسی: چالش‌ها و راهکارها. مجله پژوهش‌های آموزشی، ۳۶(۲)، ۲۷-۱۲.
- رستمی، س. (۱۳۹۸). بررسی موانع اجرایی برنامه‌های درسی تلفیقی در مدارس ایران. پژوهش‌های آموزشی، ۳۰(۳)، ۳۲-۱۸.
- سلیمانی، ن. (۱۳۹۶). نقش معلمان در اجرای برنامه‌های درسی تلفیقی. مجله مطالعات تربیتی، ۳۵(۳)، ۷۲-۵۵.
- خسروی، م.، و همکاران. (۱۳۹۸). بررسی تاثیر تلفیق مفاهیم علمی و انسانی بر توسعه تفکر انتقادی دانش‌آموزان. فصلنامه آموزش و پرورش، ۴۰(۴)، ۶۲-۴۵.
- حسینی، ع. (۱۳۹۷). برنامه‌های درسی و چالش‌های آموزش بین‌رشته‌ای. فصلنامه برنامه‌ریزی درسی، ۲۳(۳)، ۸۹-۷۲.
- Ahmadi, M., Jafari, H., & Salehi, N. (2017). The Impact of Integrated Education on Student Learning. *Educational Studies Quarterly*, 24(1), 25-42.
- Ahmadi, M., Jafari, H., & Salehi, N. (2018). The Impact of Executive Challenges on the Quality of Integrated Curricula. *Educational Studies Quarterly*, 25(1), 35-52.
- Clark, A. (2018). Interdisciplinary Approach to Curriculum Design. *Journal of Curriculum Studies*, 30(1), 15-29.
- Jafari, H., et al. (2017). Integration of Basic Sciences and Humanities in Curricula: Challenges and Solutions. *Journal of Educational Research*, 36(2), 12-27.



Marshall, T. (2017). Project-Based Learning and Its Impact on Interdisciplinary Education. *Journal of Educational Psychology*, 42(3), 65-80.

Rostami, S. (2018). Obstacles to Implementing Integrated Curricula in Iranian Schools. *Educational Research*, 30(3), 18-32.

Salehi, N. (2020). Interdisciplinary Education: An Opportunity for Integrating Humanities and Sciences. *Journal of Education and Training*, 42(4), 16-33.

# Examining the Challenges of Implementing Curricula Based on the Integration of Scientific and Humanistic Concepts

1. Mansoureh Bayat: Department of Educational Psychology, University of Mazandaran, Babolsar, Iran
2. Ramin Naderi\*: Department of Educational Sciences, University of Guilan, Rasht, Iran

## Abstract

This article examines the challenges of implementing curricula based on the integration of scientific and humanistic concepts. This educational approach is significant for its ability to develop critical thinking and multidisciplinary skills in students. However, successful implementation of these programs faces numerous challenges in design, execution, and socio-cultural acceptance. The article begins by defining key concepts such as the integration of scientific and humanistic ideas and curricula, followed by an introduction to relevant theoretical approaches. Additionally, the research background on integrating scientific and humanistic concepts is reviewed, and the main challenges in this area are identified and analyzed. Finally, solutions are proposed to improve design, enhance execution, and better address socio-cultural issues. These recommendations can help improve the quality of education and facilitate greater acceptance of integrated programs in society.

**Keywords:** Curricula, Integration of Scientific and Humanistic Concepts, Educational Challenges, Interdisciplinary Approach, Integrated Education

---